



# نسیمی از دماستی

تحلیلی بر  
اجتماعیات شعر مشیری

مژگان غلامی

به نام خداوند جان و خرد



# نسیبی از داری

تحلیلی بر  
اجتماعیات شعر مشیری

نویسنده:

مژگان غلامی شیرکوهی

سرشناسه	: علامی شیرکوهی، مرگان، ۱۳۲۷-
عنوان و نام بنیدآور	: نسیمی از دیار آشتی / تحلیلی بر اجتماعیات شعر مشیری / نویسنده مرگان علامی شیرکوهی.
مشخصات نشر	: تهران: مسق شب، ۱۳۹۸.
مشخصات طاهری	: ۳۳۸ ص.
شابک	: 978-600-8920-46-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: تحلیلی بر اجتماعیات شعر مشیری.
موضوع	: مشیری، فریدون، ۱۳۰۵ - ۱۳۷۹ -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده بندی کنگره	: PIR۸۲۱۱
رده بندی دیوبی	: ۸۱۹۱/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۲۵۱۹۳



نام کتاب: نسیمی از دیار آشتی / تحلیلی بر اجتماعیات شعر مشیری

نویسنده: مرگان علامی شیرکوهی

ناشر: انتشارات مشق شب

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: آیدین علی‌بیگی

نوبت چاپ: اول / ۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۴۶-۵

نشانی مرکز نشر و پخش: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس،

ساختمان آنا تول فرانس، (شماره ۳) واحد ۱۱

تلفن تماس: ۱۷ - ۶۶۹۶۲۵۱۶ - ۶۶۴۸۸۸۲۰ نمابر:

[www.mashgheshabpub.ir](http://www.mashgheshabpub.ir)

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می‌باشد.

## فهرست مطالب

۷	سخن نویسنده
۹	مقدمه
۱۵	فصل اول / کلیات
۱۷	جامعه‌شناسی ادبیات
۱۹	ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی
۲۰	عصر بیداری
۲۱	تأسیس مدرسه دارالفنون
۲۲	شعر عصر بیداری
۲۲	درون‌مایه شعر دوره
۲۲	ادبیات کارگری
۲۳	عصر شعر نیمایی، یا دوره نوگرایی
۲۸	شعر عصر انقلاب
۲۹	زندگی‌نامه مشیری
۳۴	شعر و مطبوعات دهه ۳۰
۳۴	معرفی آثار مشیری
۴۹	فصل دوم / ارزش‌ها
۵۱	بخش اول: آزادی و آزادگی
۵۴	بخش دوم: اتکا به نفس
۵۴	بخش سوم: احترام به والدین
۵۵	بخش چهارم: ارج نهادن به مفاخر ایران و جهان
۹۴	بخش پنجم: امید
۹۷	بخش ششم: خردورزی و اندیشه‌های فلسفی
۱۱۴	بخش هفتم: دادخواهی و عدالت‌طلبی
۱۱۷	بخش هشتم: دوستی
۱۲۰	بخش نهم: شادی و نشاط
۱۲۲	بخش دهم: شرم و حیا
۱۲۳	بخش یازدهم: عشق
۱۳۱	بخش دوازدهم: محبت و مهرورزی

۱۳۶	بخش سیزدهم: نوع دوستی و کمک به هم‌نوع
۱۳۸	بخش چهاردهم: وصف طبیعت
۱۴۳	بخش پانزدهم: وطن پرستی
۱۵۵	<b>فصل سوم / ضداورزش ها</b>
۱۵۷	بخش اول: اسارت (زندانی، قفس)
۱۶۲	بخش دوم: اعتیاد
۱۶۳	بخش سوم: بیداد و ستم
۱۶۷	بخش چهارم: بی‌قدری هنر و برتری مال بر علم
۱۷۰	بخش پنجم: پیمان شکنی، بدعهدی و خیانت
۱۷۳	بخش ششم: تنهایی
۱۷۵	بخش هفتم: جرم و خشونت
۱۹۵	بخش هشتم: حکومت نالایقان و خودکامان و فساد مقام
۱۹۷	بخش نهم: خفقان
۱۹۹	بخش دهم: دروغ
۲۰۱	بخش یازدهم: غم و ناامیدی
۲۰۶	بخش دوازدهم: فال‌گیری
۲۰۸	بخش سیزدهم: فقر
۲۱۲	بخش چهاردهم: مرگ انسانیت
۲۱۶	بخش پانزدهم: مرگ در اشعار مشیری
۲۲۲	بخش شانزدهم: ناکامی
۲۲۳	بخش هفدهم: نیرنگ و ریا
۲۲۵	<b>کتاب نامه</b>

## سخن نویسنده

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم      همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم  
شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم      شدم آن عاشق دیوانه که بودم

فریدون مشیری سی‌ام شهریور سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران متولد شد و در سال ۱۳۸۰ از دنیا رفت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. او با شعر عاشقانه کوچه از شهرتی استثنائی بین سه نسل برخوردار شد. کوچه مشیری نماد عشق برای همه انسان‌های دیروز، امروز و حتی فردا می‌باشد. من نیز مانند بسیاری از هم‌نسلان خود در نوجوانی مشیری را با شعر «کوچه» شناختم. در دوره‌های بعد نیز مشیری یکی از شاعران محبوبم باقی ماند. او شاعری عاشقانه سُر است. شعرش زمزمه و نجواست. شعری نیست که فریاد بطلبد و ادعای رسالت و نجات آدمی را داشته باشد؛ ولی از آنجا که در کشوری تاریخ‌ساز و نامدار زندگی می‌کرد و شاهد سرنوشت پرفراز و فرود این کشور بود که در چهارراه حادثه و بادخیز بلا چه طوفان‌های بنیان‌کنی را از سر گذرانده و هنوز هم بر بنیاد و ریشه‌های کهن تاریخی و اعتبار و پشتوانه فرهنگی خود پا برجا و استوار مانده است، ناگزیر مانند هر ایرانی حساس دیگری به سوی مسائل اجتماعی و تا حدی سیاسی متمایل شده است.

از سوی دیگر، از آنجا که عشق و دل‌بستگی‌های احساسی آدمی هرگز از بُعد اجتماعی جدا نیست، سیر این تحول در طول زمان در آثار او مشهود است و من نیز همپای او از کوچه گذشته و به دیار آشتی رسیدم و دیگر نه از شنیدن عاشقانه‌های او، بلکه با خواندن گفته‌هایش از اعجاز محبت و شگفتی‌هایی که در یک لب‌خند می‌دید و ارج نهادن به مهربانی و خوبی از اشعارش لذت می‌بردم تا طلوع صبح تابناک اهورایی که مرا بر آن داشت روزی به پاس تمام لحظات خوشی که از خواندن اشعارش داشتم ادای دین مختصری به این شاعر مردمی کرده باشم و همین انگیزه نگارش این کتاب شد.



باید گفت مشیری با سپهر اندیشه‌های بلندپروازش سرتاسر این سرزمین پرافتخار را درنور دیده، با عقابان بلندپرواز این کهن آباد پرشکوه، سر عزت به عرش ساییده، با نگاهی به سرزمین پرآوازه طوس، کوس دلاوری و وطن پرستی زده و در کنار آب رکناباد، جامی از دست آن رند عالم سوز گرفته و دف زنان و پای‌کوبان راهی دیار نی‌نوازان عاشق شده و اگر هیچ نه، چکامه «امیر» نام بلندش را بر سردر کاخ این سرزمین، جاودان می‌گرداند و بدین سان است که هر ایرانی عاشق پیشه با او در کوچه‌های مهتابی، خاطرات ایام جوانی را مرور می‌کند.

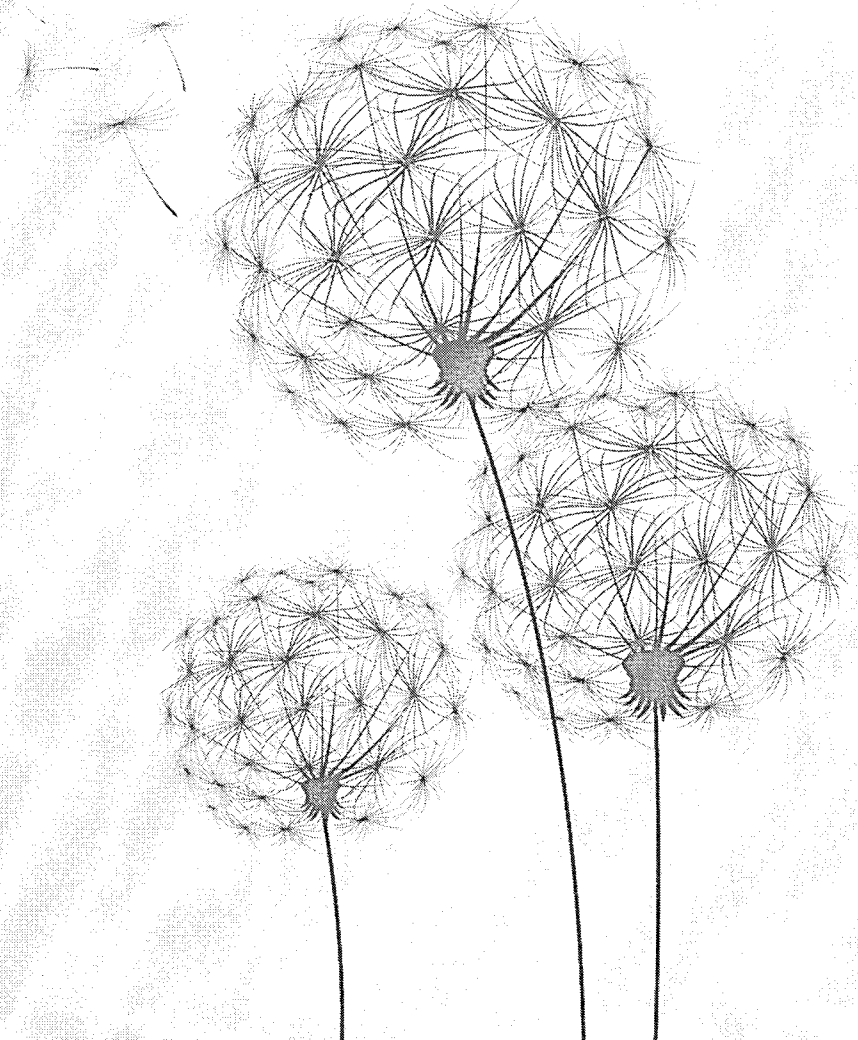
مشیری شاعریست با پانزده مجموعه شعر با مضمون‌های متنوع در همه زمینه‌های زندگی. از تولد تا مرگ؛ مضامین شعر او جهانی سرشار از پاکی و معصومیت و دنیایی از طراوت و زیباییست. جز به صلح و دوستی نمی‌اندیشد و هنگامی که بر سر شور و نشاط است، زمین و زمان را گلباران می‌کند، ولی از نامردی‌های انسان و بی‌عدالتی اجتماع که به خشم می‌آید، جنگ افروزان عالم را در محکمه وجدان به زیر شلاق انتقاد می‌کشد.

کتاب نسیمی از دیار آشتی که تحلیلی بر اجتماعیات شعر شاعر نامدار کشورمان فریدون مشیری است، به جامعه‌شناسی ادبیات و شناساندن ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی توجه دارد و با توجه به شخصیت چندوجهی شعر مشیری، سعی شده است مفاهیم و مطالب با توجه به روند تاریخی و رشد شعرهای مشیری به انضمام تحلیل‌های دقیق و مبتنی بر پژوهش ارائه شود، که امیدوارم مورد توجه پژوهشگران، اساتید و دانشجویان رشته ادبیات فارسی قرار گیرد و از آنجا که ادعایی مبنی بر کامل بودن اثر ارائه شده ندارم، منتظر دیدگاه، پیشنهاد و نقد سازنده شما خوانندگان گرامی هستم.

مژگان غلامی شیرکوهی

تابستان ۹۸

# مقدمه





## مقدمه

«جامعه در یک نگاه کلی و گذرا مبتنی بر نظامی است که از عناصر متعددی تشکیل یافته است. عناصری که با کلیت نظام در پیوند ارگانیک قرار دارند. این عناصرها در نظام اجتماعی نقش‌ها و کارکردهایی متفاوت دارند که هم‌سویی آن‌ها سازمان‌یافتگی و تعارض و ناهماهنگی آن‌ها، نابسامانی اجتماعی را به وجود می‌آورد.

جامعه برای هدایت مردم به سوی اهداف خود، نهادهایی را متناسب با نیازهای انسانی ایجاد می‌کند. در اثر کارکرد این نهادهاست که به تدریج قوانین اجتماعی و میثاق‌ها و اخلاقیات، متناسب با مراتب و سطح تکاملی جامعه شکل می‌گیرد و در سایه قوانین اجتماعی و اخلاقی برآمده از این نهادها، نظمی بر جامعه حاکم می‌شود که بستر مناسب تولید موارث فرهنگی را مهیا می‌سازد.

رعایت قوانین اجتماعی، نظم بیرونی را تحقق می‌بخشد و رعایت موازین اخلاقی که جنبه فردی و عاطفی بیشتری دارند، تناقض‌های درون را متعادل می‌کنند و «ارزش»‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند. دلبستگی مردم به این ارزش‌ها و تلاش برای حفظ و حراست از آن‌ها، سلامت جامعه را تضمین می‌کند و به همین دلیل در جوامع بسامان، یک اراده همگانی برای حفظ ارزش‌ها و جلوگیری از تبدیل آن‌ها به ضد ارزش، مشاهده می‌شود.»

«ادبیات محصول زندگی اجتماعی است. بنابراین ادبیات از آن روی که از بطن جامعه برمی‌آید و نقشی اجتماعی برعهده دارد، نهادی اجتماعی است. این نهاد در همان حال که از نهادهای دیگر اثر می‌پذیرد، بر آن‌ها نیز اثر می‌گذارد و بدین ترتیب میان ادبیات و جامعه کنشی متقابل برقرار می‌گردد. با توجه به این می‌توان گفت جامعه یکی از مهم‌ترین منابع الهام شاعران و نویسندگان به شمار می‌آید. به همین دلیل ادبیات هر عصری رنگ روزگار خود را دارد و تا حدودی مسائل آن را بازمی‌تابد. به سخن دیگر، ادبیات از آن روی پدیده‌ای اجتماعی به شمار می‌آید که زندگی را به نمایش درمی‌آورد و زندگی تا حدود زیادی یک پدیده اجتماعی است. با توجه به این امر، می‌توان بر آن بود که ادبیات به خواست افراد نه، بلکه برای پاسخ‌گویی به نیازهای جمعی تولید می‌شود و با ایدئولوژی حاکم بر جامعه، چه نویسنده آن را بپذیرد و چه با آن مخالفت ورزد، در پیوند است. در این صورت

می‌توان ادبیات را روستا ساختی برای اندیشه‌های حاکم بر جامعه و جهان بینی مؤلف دانست و مسائل فرهنگی و اجتماعی را در آن ردیابی کرد.

همین مسئله باعث شده است که در مطالعات تاریخی، اجتماعی و سیاسی، آثار ادبی را چونان اسنادی مهم به‌کار می‌گیرند و با استناد به آن‌ها مسئله‌ای را تبیین کنند. پس می‌توان بر آن بود که ادبیات در واقع نه بازتاب فرآیند اجتماعی، که جوهر، خلاصه و چکیده تاریخ است.

«به سخن دیگر، ادبیات هر روزگاری، از آنجا که در تعامل با جامعه به وجود می‌آید، محصولی اجتماعی است و در عین حال که جامعه را می‌سازد و مسیر پیشرفت آن را هموار می‌کند، خود نیز ساخته می‌شود. ادبیات گاه چونان پدیده‌ای زنده، پایه‌پای دگرگونی‌های جامعه تحول می‌یابد و وظیفه خود را نسبت به خاستگاهش به درستی ایفا می‌کند و زمانی دیگر، چنان در برابر قدرت‌ها رنگ می‌بازد که خلاقیت و اثرگذاری خود را فراموش کرده، به ابزاری برای توجیه رویدادهای ناروای جامعه تبدیل می‌شود و به تثبیت اوضاع یا درجا زدن جامعه، کمک می‌کند.

بنابراین می‌توان بر آن بود که ادبیات تنها از زندگی نسخه برداری نمی‌کند، بلکه به آن شکل می‌دهد. از این روی، ادبیات یک فعالیت اجتماعی و جزو مقوله‌های فرهنگی جامعه است و تردیدی نیست که در تمام روزگاران، بهترین آثار از آن کسانی بوده است که توانسته‌اند میان محتوا و پیام یا خواست‌های خود با نیازهای اجتماعی عصر خویش یا به طور کلی با نیازهای انسان اجتماعی، رابطه‌ای اصولی برقرار کنند. با تحلیل جامعه‌شناختی چنین آثاری می‌توان از وضعیت اجتماعی یک اثر و موقعیت افراد آگاه شد و از چگونگی سیر مسائل اجتماعی و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های جامعه سخن گفت.

البته گذشته از محتوای ادبیات که مسائل اجتماعی را به نمایش درمی‌آورد، باید پذیرفت که شکل، نوع و سبک‌های ادبی هم بر پایه ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی تحول و تطور می‌یابند.»

«بازشناخت مسائل آشکار و پنهان جامعه، تثبیت یا فروپاشی ارزش‌های اجتماعی، شکل‌گیری ارزش‌های کاذب و تحولی که در معیار ارزیابی این ارزش‌ها به وجود می‌آید، همه از رهگذر نقد امکان پذیر خواهد بود. یکی از گونه‌های پرکاربرد نقد در تمام جهان، نقد ادبی است. نقد ادبی عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن به نحوی که معلوم شود نیک و بد آن آثار چیست و منشأ آن کدام است.»

به طور کلی می‌توان گفت که در طول تاریخ، ادبیات هر کشور، متناسب با شرایط حاکم بر محیط‌های ادبی و اجتماعی و نیز احوال و افکار مؤلفان، به دو دسته صورت‌گرا و معنی‌گرا، تقسیم شده است و ناگزیر منتقدان نیز با تأکید بر یکی از این دو جنبه، دو گرایش اصلی نقد صورت و نقد معنا را به کار بسته‌اند.

«در نقد صورت، اگرچه منتقد معنا را کاملاً کنار نمی‌گذارد، تعمداً بر بررسی و کشف عنصرهای روساختی و شکل بیرونی متن، تأکید می‌ورزد و هدف او نشان دادن میزان بهره‌گیری مؤلف از زبان و شگردهای ادبی آن و غایت کارش معرفی عنصرهایی است که به طور کلی ادبیات متن را می‌سازند. در برابر اینان منتقدانی وجود دارند که به دنبال کشف معنا و پیام آثار ادبی هستند و بی‌آنکه صورت اثر را نادیده بگیرند، می‌کوشند از خلال آن به معنای اثر راه یابند و با تحلیل آن، یکی از درون‌مایه‌های اثر نظیر رویکردهای اجتماعی، روان‌شناختی، اسطوره‌شناختی، اخلاقی و نظایر این‌ها را برجسته نمایند. دغدغه اینان پرداختن به محتواست، زیرا معتقدند اهمیت ادبیات در حرکت تاریخ، در محتوا یافت می‌شود.»

«ادبیات در هر سرزمینی به مثابه یک پدیده اجتماعی به مسائل اجتماعی عصر خویش توجه دارد و زندگی را با تمام تناقض‌هایش، توصیف می‌کند و ناگزیر جایگاهی برای نمایش تمام چیزهایی می‌شود که بشر، در زندگی خود با آن‌ها سروکار دارد. در سرزمین ما نیز از دیرباز ادبیات پدیده‌ای اجتماعی دانسته می‌شده است. بی‌آنکه ادبیات خود را به موضوعی خاص محدود کند، بسیاری از موضوع‌ها در آن بازمی‌تابد، یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی که همواره در ادبیات مطرح بوده، مسائل اجتماعی است.»

در سراسر این کتاب به بررسی و نقد تمام اشعار فریدون مشیری پرداخته شده و با تکیه بر مباحث جامعه‌شناختی ادبیات فارسی و آسیب‌شناسی اجتماعی ارزش‌ها و ضدارزش‌های بیان شده در سروده‌ها و اندیشه‌های این شاعر گردآوری شده است. نهایت تلاش و دقت بر آن بوده است که جانب انصاف نگاه داشته شود و اصل بر بررسی اشعار نهاده شده، نه قضاوت درباره شاعر، زندگی، اندیشه‌ها و باورهایش. با این امید که روزی هر شعرزبیا و ارزشمندی، الهامی زمینی برای گرد هم آوردن تمام انسان‌ها با انبوه باورها و منش‌های رنگارنگ برای حرکت به سوی ساختن جهانی به دور از خشونت باشد.

کتاب نسیم از دیار آشتی مبتنی بر مسائل سیاسی، اخلاقی و به خصوص اجتماعی دوران چهل ساله شاعری فریدون مشیری و آشنایی بیشتر با اندیشه‌های این شاعر طبیعت‌گرا و مردمی و بررسی ارزش‌ها و ضدارزش‌های موجود در باورهای این شاعر و تعیین میزان ارج نهادن مشیری به ارزش‌های اجتماعی و مخالفت او با ضد ارزش‌های زمانش می‌باشد، این در حالی است که تاکنون کسی به بررسی تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در تمام آثار فریدون مشیری و هیچ شاعر دیگری به طور جامع و کامل نپرداخته است، ولی مقالات پراکنده‌ای در مورد زندگی و بعضی از مضامین شعرو جنبه‌های فکری مشیری در زمینه‌های مختلف نوشته شده و در کتاب‌هایی مانند «به نرمی باران / جشن نامه فریدون مشیری» و «آسمانی تراز نام خورشید» گردآوری شده است، که در جای جای این کتاب از آن‌ها استفاده شده است.



فصل اول

کلیات







## جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی مؤلف و تأثیرش بر جامعه است. جامعه‌شناسی ادبیات، اثر را مثل شیء در نظر می‌گیرد و مطالعه می‌کند تا چگونگی روابط آن را با پدیده‌های دیگر معین کند. همچنین به مطالعه اثر ادبی و ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی پرداخته و وظیفه‌اش ایجاد پلی میان ادبیات و جامعه است.

نقد اجتماعی آثار، با تکیه بر دستاوردهای جامعه‌شناسی، اندک اندک وجهه‌ای علمی‌تر به خود گرفت و به دانش میان‌رشته‌ی جامعه‌شناسی ادبیات به مثابه شاخه‌ای از جامعه‌شناسی تبدیل شد. بنابراین نقد اجتماعی در دل جامعه‌شناسی ادبیات جا دارد و در تعریف آن می‌توان گفت جامعه‌شناسی ادبیات علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی مؤلف و تأثیرش بر جامعه است. جامعه‌شناسی ادبیات، اثر را مثل شیء در نظر می‌گیرد و مطالعه می‌کند تا چگونگی روابط آن را با پدیده‌های دیگر معین کند.

همان‌طور که جامعه‌شناسی یک دانش مشاهده‌ای است که به طور دقیق، مجموع پدیده‌ها، ساخت‌ها، نهادها، گروه‌ها، قدرت‌ها، ارتباطات بین نیروها، روابط، کردار و رفتاری که با زندگی در جامعه پدیدار می‌شود را به مطالعه می‌گیرد، جامعه‌شناسی ادبیات نیز مطالعه اثر ادبی و ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی را به عهده دارد و وظیفه‌اش ایجاد پلی میان ادبیات و جامعه است.

جامعه‌شناسی ادبیات، با نقد و تحلیل یک اثر یا آثار متعدد یک مؤلف، می‌خواهد بداند این آثار به مثابه پدیده‌ای اجتماعی، در طی دوره‌ای معین با مراکز قدرت و مردم چه رابطه‌ای داشته و به مسائل اجتماعی عصر خویش از کدام منظر نگریسته و آن‌ها را چگونه و با استفاده از چه شیوه‌هایی، منعکس کرده است؟ آیا مؤلف به تکرار اندیشه‌های موجود بسنده کرده است، یا آثار او حاوی اندیشه‌های نو و پیشرفته است؟ و سرانجام آیا با استناد به اطلاعاتی که از این آثار به دست می‌آید، می‌توان قوانین حاکم بر جامعه عصرش را تعیین و تبیین کرد؟

زیرا در جامعه‌شناسی ادبیات از سویی با جامعه‌شناسی؛ یعنی دانشی که به مطالعه رفتارها و کنش‌های اجتماعی مردم می‌پردازد و از دیگر سوی، با رفتار یکی از شاخص‌ترین مردم، یعنی مؤلفی

که در جامعه زیسته، از آن اثر پذیرفته و بر آن اثر نهاده و به دلیل برخورداری از عاطفه و اندیشه‌ای متفاوت، توانسته مسائل زندگی اجتماعی را به وجهی هنرمندانه گزارش کند، مواجهیم.

بنابراین جامعه‌شناس ادبیات، مثل هر منتقد دیگر که اثر را از منظر دانش و تخصص خود می‌نگرد، جامعه‌شناسی و قواعد و قوانین آن را ابزار تحلیل متون ادبی قرار می‌دهد و با توجه به این اصل که هر اثر ادبی غالباً در بافت خود نشانه‌ای از منشأ اجتماعی دارد، راهی جز این ندارد که متن را در همان بستری قرار دهد که در آن شکل گرفته است. البته او با آنکه بر اطلاعات به دست آمده از متن تکیه می‌کند، برای تعیین درستی یا نادرستی دستاوردهایش یافته‌های خویش را با اسناد اجتماعی دیگری که در تاریخ موجود است، می‌سنجد و می‌کوشد قوانین حاکم بر این رویدادهای اجتماعی را تبیین نماید.

به هر حال یک اثر ادبی برای جامعه‌شناس ادبیات همان قدر اجتماعی است که هر پدیده اجتماعی دیگر، زیرا ادبیات از زبان و ترفندهای زبانی نظیر استعاره و کنایات و امثال و نمادها که همه محصول جامعه‌اند، استفاده می‌کند.

او بدین مسئله توجه دارد که ادبیات آیینی تمام‌نمای جامعه نیست و همیشه در بیان مسائل اجتماعی صراحت ندارد، بلکه غالباً واقعیت‌های اجتماعی به گونه‌ای غیرمستقیم و از رهگذر شگردهایی ادبی اشارت می‌کند. پس جامعه‌شناس ادبیات نباید و نمی‌تواند به معانی صریح بسنده نماید، بلکه باید در پی کشف اندیشه‌هایی باشد که در ورای واژگان و تعبیر پنهان شده‌اند، زیرا آنچه به تصریح بیان نشده و البته کاملاً هم ناگفته نمانده است، با اندیشه گوییده پیوندی عمیق‌تر دارد.

بنابراین با تأمل بر آثار برجسته ادبی، که کنش میان آن‌ها و جامعه قطعی است، می‌توان تصویری از محیط اجتماعی عصر مؤلف، ترسیم کرد، زیرا شاعر یا نویسنده به دلیل بهره‌گیری از عواطف و احساسات و تخیل، بهتر از هر کس می‌تواند ژرفای مسائل اجتماعی را احساس و با زبانی شیوا گزارش کند.

اینان به مثابه اعضای جامعه با محیط ارتباطی عاطفی برقرار کرده، انسانی‌ترین راه تکامل آن را یادآور می‌شوند. به همین دلیل جامعه‌شناسی ادبیات، آثار ادبی را بخشی از شعور جامعه و حاوی آگاهی‌های اجتماعی بسیاری می‌داند که با استخراج و طبقه‌بندی و تحلیل محتوای آن‌ها نه تنها جهان بینی و طرز تلقی مؤلف و پایگاه اجتماعی او و اثرش تعیین می‌گردد، بلکه قوانین حاکم بر جامعه نیز تا حد قابل قبولی، کشف می‌شود.

موضوع جامعه‌شناسی ادبیات، بررسی تعامل میان ادبیات و اجتماع است و در آن از عقاید، رسوم، عادات، اخلاق، تعلیم و تربیت و هر مسئله فرهنگی و سیاسی و اجتماعی دیگری که در جامعه روی داده و مؤلف را تحت تأثیر قرار داده است، سخن به میان می‌آید تا معلوم گردد دلیل حضور این عناصر در متن چیست و چگونه می‌توان با تحلیل آن‌ها مسائل جامعه را تبیین نمود. بنابراین یکی از کارهای

اساسی در این زمینه تعیین این مسئله است که آیا مؤلف فقط به موضوع کارش اشاره و آن را توصیف می‌کند یا به تبیین آن‌ها نیز می‌پردازد. به سخن دیگر آیا فقط از این مسائل حرف می‌زند یا در برابر آن‌ها موضع معینی نیز دارد و به یاری آن‌ها ارائهٔ طریق هم می‌کند؟

به شهادت تاریخ ادبیات فارسی، غالباً شاعران و نویسندگان ایران، برای انطباق فرد با جامعه تلاش کرده و سخن گفته‌اند. اینان روابط حاکم بر جامعه را نقد نه، بلکه توجیه و حتی برای آن تبلیغ هم می‌کنند. این شاعران و نویسندگان که اکثریت هنرمندان ایرانی را تشکیل می‌دهند، فقط به ثبت رویدادها در آثارشان بسنده می‌کنند و نمی‌کوشند که این رویدادها را به خاطرهای ماندگار تبدیل نمایند. «تعیین این مسئله یکی از دشواری‌های کار منتقد اجتماعی است، زیرا استخراج عناصر اجتماعی از یک متن آسان، ولی طبقه‌بندی آن‌ها برای ترسیم خط فکری صاحب اثر و تبیین اندیشه‌های او، کاری است به غایت دشوار. اما به هر حال اگر محقق قادر به بازشناسی این آثار ادبی باشد و بتواند آن‌ها را تحلیل و تبیین نماید، نه تنها به شناخت مؤلف و اثرش یاری می‌رساند، فراتر از این ادبیات را از سویه معنا رشد می‌دهد.»

### ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی

ارزش اجتماعی مفهوم مهمی است که در موضوع علت روابط جمعی مطرح می‌شود. در جامعه‌شناسی به این نکته تأکید می‌شود که علت روابط جمعی و یا علت حقیقی زندگی اجتماعی، یک ارزش است. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت، آنچه انسان‌ها بدان علاقه‌مندی یا دل‌بستگی دارند، یا مورد توجه و تحسین و احترام آنان است، یا با رسیدن بدان خرسند می‌شوند و یا متضمن فایده‌ای برای آنان است، ارزش نامیده می‌شود.

در واقع ارزش میزان توانایی یک شیء (چیز، اندیشه یا شخص) در ارضای یک میل، یک نیاز، یک تمنای انسانی است.

دربارهٔ ارزش‌های اجتماعی نیز گفته می‌شود: ارزش‌های اجتماعی نامی است که ما به هدف‌ها و مقاصد مطلوب و مورد نظر جامعه می‌نهیم. به دیگر سخن، آنچه مورد نظر و مطلوب یک جامعه است و افراد برای دستیابی بدان می‌کوشند ارزش اجتماعی شمرده می‌شود.

«در برخی موارد ارزش‌های اجتماعی به ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی و معنوی نیز که به جامعیت و یکپارچگی جامعه و یا اعتلای آن خدمت می‌کنند و پیوندهای اجتماعی را استوار می‌سازند، اطلاق می‌شود. از این دیدگاه، نیکوکاری، خدمت به خلق، نوع‌پروری، نزاکت و مانند آن‌ها ارزش‌های معنوی محسوب می‌شوند.»

در جوامعی که این عناصر، در خدمت تحقق اهداف نظام قرار می‌گیرد، پویایی نصیب جامعه می‌گردد و در غیر این صورت، جامعه ایستا و واپس‌گرا خواهد بود.

## عصر بیداری

تحولی که از حدود سال ۱۳۰۰ هجری شمسی بر اثر دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی، در ایران رخ داد به گونه‌ی جدیدی از شعر منتهی شد که به نام پایه‌گذار آن نیما یوشیج به «شعر نیمایی» نام‌بردار شده است. قبل از بیان ویژگی‌های این‌گونه خاص شعر باید یادآوری کرد که اولاً سنت شکنی و ضابطه‌بندی نوینی که نیما در شعر فارسی پدید آورد در طول ۱۱ قرن حیات ادبی فارسی پیش و پس از او، بی‌همتا و ممتاز باقی مانده است. ثانیاً این مرحله نوین ادبی چنان با مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود درآمیخته و تا آنجا با آن هم‌گام پیش آمده است که بی‌توجه به آن مسائل فهم درست جریان‌های ادبی نوین تقریباً ناممکن می‌کند.

ضرورت توجه به مسائل دنیای نوین در ایران از زمانی آغاز شد که باب‌آشنایی و رفت و آمد با بیرون از ایران به ویژه با اروپا به روی این سرزمین گشوده شد و این امر به شکل گسترده و قابل‌ذکر آن از نظر زمانی به عصر فتحعلی شاه قاجار مخصوصاً دوران ولایت عهدی عباس میرزا و جنگ‌های ایران و روس بازمی‌گردد.

اصولاً جنگ‌ها همیشه برای سرزمین و مردم ایران زیان‌بار بوده است، اما در کنار این زیان‌ها، سودها و برکاتی هم داشته و در سرنوشت اجتماعی و فرهنگی ما گاه تأثیرات مثبتی بر جای گذاشته است. به طور مثال، جنگ ایران و روس به رغم آنکه برای سرزمین و مردم ما بسیار گران تمام شد و طی دو معاهده ننگین «ترکمن‌چای» و «گلستان» بخش وسیعی از سرزمین آذربایجان جدا شد و سرمایه‌های مالی و انسانی فراوانی به یغما رفت، با این حال چشم و گوش مردم و مسئولان مملکت را باز کرد.

از میان مسئولان رده بالای مملکتی که در آن روزگار این هشدار را هوشمندانه بیش از دیگران ادراک کردند و برای رفع موانع پیشرفت و هم‌قدمی با دنیای آن روز گام‌های بلند برداشتند، یکی قائم مقام فراهانی بود و دیگری شاهزاده عباس میرزا، که اتفاقاً هر دو به طور جدی درگیر مسائل جنگ با روسیه بودند و تلخی شکست را، که به واقع معلول عقب ماندگی و بی‌خبری هیئت حاکمه ایران بود، با تمام وجود حس کرده بودند. این دو ضمن آنکه جنگ میهنی آذربایجان را با روسیه تزاری به پیش می‌بردند، دست در دست هم توانستند زمینه اقدامات و تلاش‌هایی را فراهم آورند که ملت ایران برای بیداری سیاسی و اجتماعی شدیداً به آن نیازمند بود. هر دو سه اقدام عملی عباس میرزا و قائم مقام یعنی گشودن باب‌آشنایی با مغرب زمین و متعاقب آن اعزام نخستین گروه محصلان ایرانی به

اروپا برای فراگیری فنون و دانش‌های نوین، در واقع به ضرورت رویارویی با مسائل جنگ برای اولیای امور پیش آمد و باعث شد آنان برای هماهنگی کشور با دنیای جدید به استفاده از امکانات علمی و عملی نوین روی بیاورند. اقدامات بنیادین و زیربنایی عباس میرزا با مرگ نابه‌هنگام او در سال ۱۲۴۹ هـ. ق. عقیم ماند، اما پس از مدتی توسط نادره مرد سیاست ایران، میرزا تقی خان امیرکبیر در روزگار سلطنت ناصرالدین شاه دنبال شد و اندکی پس از آن در قالب نهضت مشروطیت به نتیجه رسید.

فرمان مشروطیت که در ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ هـ. ق. در اثر مساعی آگاهان و وطن‌خواهان دینی و سیاسی به امضای مظفرالدین شاه رسید، پیامد بیداری جامعه ایرانی و تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاصی بود که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- تأثیر جنگ‌های بی‌فرجام ایران و روس و رویارویی جامعه با واقعیت‌ها و امکانات فنی دنیای نوین

۲- روی آوردن به دانش و فنون جدید

۳- رفت و آمد متقابل ایرانیان و اروپاییان و آشنایی عمومی جامعه با مجموعه تحولات جدید

۴- رواج صنعت چاپ به عنوان اصلی‌ترین وسیله اطلاع‌رسانی

۵- رواج و گسترش روزنامه‌نویسی به عنوان مهم‌ترین رسانه‌ای که اخبار و اطلاعات را در کوتاه‌ترین زمان در همه جا منتشر می‌کرد. نشریات ادبی که بعدها زمینه تحول به شعر نیمایی را فراهم آوردند در واقع معلول این اقدام بودند.

۶- ترجمه و نشر کتاب‌ها و آثار فرنگی که آشنایی همگانی‌تر با پیشرفت‌های جهان غرب را بیش از پیش ممکن می‌ساخت.

### تأسیس مدرسه دارالفنون

مظفرالدین شاه اندکی پس از امضای فرمان مشروطیت درگذشت و پسر خودخواه و مستبد او محمدعلی میرزا بر تخت سلطنت نشست. او که سخت به حکومت روسیه تزاری وابسته بود، نتوانست با آزادی خواهان کنار بیاید و در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ. ق. مجلس شورای ملی را به توپ بست. همزمان با این اقدام گروهی از آزادی خواهان در باغ شاه به قتل رسیدند. سیزده ماه و چند روزی که محمدعلی شاه با خودکامگی بر سر کار بود «استبداد صغیر» نام گرفته است. طی این مدت آزادی خواهان در تبریز و برخی نواحی دیگر متشکل شدند و با فتح تهران در جمادی‌الآخر سال بعد، شاه خودکامه به روسیه پناهنده شد. مجلس شورا او را از سلطنت خلع کرد و فرزندش احمد میرزا که بیش از سیزده سال نداشت را به تخت سلطنت نشانید و مشروطه جوان با پشت سر گذاشتن مرحله مهمی از مبارزات ملی و مردمی، در واقع پس از این تاریخ پا گرفت.

## شعر عصر بیداری

مرحله تحولی که شعر عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی تا آن روز بی‌سابقه بود. این مرحله مسبوق به تغییری بود که از چندی پیش در همه شئون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روی داده بود. مردم به پاره‌ای آزادی‌ها دست یافته و حقوق سیاسی و اجتماعی خود را درک کرده بودند. سواد و دانش اجتماعی عمومیت یافته بود. این اصل که لازم است مردم بر سرنوشت خویش مسلط باشند از سوی حاکمیت سیاسی پذیرفته شده بود و پس از آن همه چیز با جامعه و مردم ارتباط پیدا می‌کرد. بنابراین ادبیات هم مثل دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورد و انعکاس ارزش‌های اجتماعی را وجهه همت خود قرار داد. از این رو، شعر این دوره را باید شعری متعلق به گروه‌های وسیع جامعه دانست، نه به عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه‌های محدود حاکم یا برگزیدگان فکری.

## درون‌مایه شعر دوره بیداری

شاخص‌ترین مضمون‌های شعر فارسی در عصر بیداری را تحت عناوین زیر می‌توان برشمرد:

۱- آزادی

۲- قانون

۳- وطن

۴- تعلیم و تربیت نوین

۵- توجه به علوم و فنون جدید

۶- فقدان علاقه و اعتقاد به مفاهیم ذهنی و کلیات اخلاقی، عرفان و باورهای متافیزیکی از صحنه عمومی شعر رخ برمی‌بندد و جای خود را به مفاهیم و واقعیت‌های این جهانی (secular) و غیردینی می‌دهد.

## ادبیات کارگری

توجه به مردم یکی از ویژگی‌های شعر در عصر بیداری بود. بدین سان شعر هم از جهت مفهوم و مضمون و هم از جهت زبان و قالب و حتی تخیل به صورتی درآمد که بتواند پیام شاعر را به عامه مردم برساند. همین امر و علاقه و اشتیاق شاعران برای نشان دادن خواست‌ها و نیازهای توده مردم و آشنایی گروهی از ایرانیان با جریان‌های ادبی و اجتماعی که در آستانه انقلاب اکتبر در روسیه تزاری می‌گذشت، سبب شد که شاخه‌ای از ادبیات به ویژه در شعر فارسی عصر بیداری، نیازها و محرومیت‌های توده مردم را موضوع اصلی خود قرار دهد و به دفاع از حقوق محرومان و رنجبران

برخیزد. از این ویژگی یا به عبارت بهتر از شاخه‌ای که این ویژگی را بیشتر در خود منعکس می‌کرد، به «ادبیات کارگری» یا ادبیات محرومان یاد می‌کنیم که به خصوص کسانی امثال فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و محمدعلی افراشته علاقه بیشتری به آن نشان داده‌اند. بریدن شعر و ادب از خواص و طبقات مرفه و دربار و روی آوردن آن به مردم کوچه و بازار سبب شد که در این عصر بیشتر از همیشه نیازها و تمایلات عامه مردم و طبقات محروم جامعه در آن منعکس شود.

این ویژگی و تمایل عمده در ادبیات عصر بیداری ایران وقتی در مجاورت انقلاب روسیه (۱۲۹۷ ش. / اکتبر ۱۹۱۷ م.) و تحت تأثیر اندیشه‌های کارگری حاکم بر ادبیات بلشویکی قرار می‌گرفت، با تأکید بر تضاد میان دو طبقه دارا و نادار و یا به تعبیر دیگر سرمایه‌دار و زحمتکش رنگ و بوی طرفداری از محرومان یا، به اصطلاح آن روز، کارگران و زحمتکشان را پیدا می‌کرد و آثار ادبی را نسبت به گروه‌های بالا و برخوردار جامعه کینه‌ورز و مهاجم نشان می‌داد. این خصلت ضد بورژوازی تقریباً می‌تواند صفت غالب شعر دوره مورد بحث به شمار آید. اما برخی از شاعران عصر بیداری مانند لاهوتی پا را از این هم فراتر گذاشتند و به علت رفت و آمد به اتحاد شوروی سوسیالیستی و حشر و نشر با دموکرات‌ها و روشنفکران سوسیالیست، بر روی هم تمایلات افراطی پیدا کردند که وقتی این تمایلات به صورتی در شعرشان تجلی می‌یافت آنان را طرفدار محرومان و به ویژه کارگران معرفی می‌کرد. جانب‌داری از «ادبیات کارگری» و ابراز تمایلات سوسیالیستی در سال‌های نخست، که مصادف بود با دوران انتقال قدرت از سلسله قاجاریه به پهلوی، چندان جدی گرفته نمی‌شد و در نتیجه به طور نسبی مجال و میدانی برای ظهور نداشت، اما حکومت پهلوی به محض استقرار و لزوم کنترل اوضاع به شدت از جانب کمونیسم احساس خطر کرد و در نتیجه هر نوع جانب‌داری و گرایش به این طرز فکر با محدودیت و سرکوب مواجه گردید. چنانکه آوارگی و سرانجام مهاجرت دائمی ابوالقاسم لاهوتی به شوروی و قتل مرموز فرخی یزدی از پیامدهای آشکار آن می‌باشد.

### عصر شعر نیمایی، یا دوره نوگرایی

پویایی شعر دوره بیداری تنها از لحاظ محتوا توانست با جنبش مشروطیت و تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن همگامی پیدا کند و راه را برای شاعرانی که در شعر خود پویندگی و تحول حیات اجتماعی را منعکس می‌کردند، هموار سازد. حوادث تاریخی مهمی، نظیر جنگ جهانی اول، کودتای ۱۲۹۹ و سرانجام فروپاشی سلطنت نیمه فئودالی قاجار و انتقال قدرت به سلسله پهلوی (۱۳۰۴ ش.)، جریان نوگرایی را به حدی شتاب بخشید که دیگر سیر و تحولی محافظه‌کارانه، از نوع آنچه در شعر مشروطه رخ داده بود، به هیچ وجه بسنده نبود و سنت شکنی قاطعی را طلب می‌کرد. قالب‌های سنتی با پایبندی استواری که در طول تاریخ ممتد خود به قواعد و ضوابط سختگیرانه پیدا کرده



بود، دیگر قادر نبود مسائل حیات اجتماعی معاصر را بیان کند. همه چیز از شتاب و دگرگونی سخن می‌گفت، در حالی که ضوابط و سنت‌های ادبی ایران برای هماهنگی با چنین شتابی آمادگی نداشت. در پی گسترش سواد و طرح بنیان‌های آموزش و پرورش نوین، روزنامه‌ها ضمن پیوند یافتن با حیات فکری و اجتماعی، ادبیات و شعر را همچون ابزاری برای سرعت بخشیدن به تحول و بیداری به کار گرفتند.

بحث کهنه و نو در روزنامه‌ها و مطبوعات مطرح شد، چرا که ضرورت یک تحول بنیادین بیش از پیش احساس می‌شد. اهل درک به این معنی پی برده بودند که زندگی نوین، زبان و ادب نو می‌خواهد. این را حتی سنت‌گرایان هم باور کرده بودند و برای پیشگیری از یک انقلاب تهاجمی و ویرانگر بر ضد سنت‌ها و قاعده‌های دیرینه، می‌کوشیدند موضوع‌های تازه را در قالب شعر سنتی بریزند.

در این مقطع تاریخی و حساس آنچه لازم بود دید و نگاه تازه بود، نه الفاظ و واژه‌ها و حتی مفاهیم و مظاهر زندگی نوین.

در سال‌های انقلاب مشروطه موضوعات تازه سیاسی و بحث‌های روز اجتماعی مجال برای این باقی نگذاشته بود که در ساخت و صورت شعر همپای تحولی که در محتوای آن روی داده بود، تغییر بنیادی و عمیق داده شود. اما همین که شور و هیجان سال‌های انقلاب فرو نشست، نواندیشان فرصت یافتند تا متناسب با دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی عصر نوین برای شعر و ضوابط حاکم بر آن هم چاره‌اندیشی کنند.

بعد از جنگ جهانی اول و کم شدن تب و تاب‌های سیاسی آن سال‌ها، در قلمرو اندیشه ادبی مناقشات و کشمکش‌های ریشه‌داری میان دو جناح نوگرا و سنت پرست در گرفت که پس از زمانی نسبتاً دراز به پیروزی نسبی نوگرایان منتهی گردید. با این حال، سنت‌گرایان و محافظه‌کاران هم توانستند بی‌اعتنا و با حالتی مطمئن از عدم کامیابی گروه مقابل به حیات خود ادامه دهند.

### دوره‌بندی تاریخی شعر نیمایی

دوران پنجاه و هفت - هشت ساله‌ای که به نام «عصر شعر نیمایی» نامیده‌ایم، هر چند از نظر زمانی کوتاه و محدود است، به لحاظ رویدادهای مهمی که در آن محدوده اتفاق افتاده و هر یک در جریان شعر فارسی اثری بر جای گذاشته گسترده و درخور توجه است. به همین اعتبار می‌توان این دوران را به چند مقطع یا دوره کوتاه‌تر تقسیم کرد:

- دوره اول از ۱۳۰۴ ش. آغاز سلطنت رضاشاه تا شهریور ۱۳۲۰ ش. (روی کار آمدن پهلوی دوم)
- دوره دوم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش. (کودتای ۲۸ مرداد)

- دوره سوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش. (قیام پانزده خرداد)
- دوره چهارم از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ش. (انقلاب اسلامی).

### دوره اول از ۱۳۰۴ تا شهریور ۱۳۲۰

سال ۱۳۰۴ را از آن رو سرآغاز این دوره به حساب می‌آوریم که در این سال با تصویب مجلس مؤسسان سلطنت از قاجار به پهلوی منتقل گردید و رضاخان سردار سپه که نخست‌وزیر بود رسماً به عنوان نخستین شاه پهلوی از این تاریخ تا شهریور ۱۳۲۰ سلطنت کرد.

ویژگی‌های تاریخی - اجتماعی دوره اول شعر نیمایی را بدین قرار می‌توان خلاصه کرد:

- ۱- استبداد سیاسی و اعمال حاکمیت مطلق در همه شئون مملکت
- ۲- ضدیت با سنت‌ها و معتقدات مذهبی جامعه زیر پوشش مبارزه با کهنه‌پرستی و ارتجاع که در نهایت به ضدیت با اسلام و روحانیت منتهی گردید. مبارزات سید حسن مدرس در همین مسیر شکل می‌گرفت.
- ۳- غربی کردن ایران از جمیع جهات که پس از طرد سنت و مذهب، نمود ظاهری آن در تغییر لباس (زن و مرد) آشکار گردید.

۴- تبلیغ و ایجاد روحیه فردپرستی و القای تقدس مفهوم سلطنت و در نتیجه قداست شخص شاه و ایران‌پرستی افراطی و پیوند خوردن مفهوم وطن، یا به تعبیر آن روز «میهن» با مفهوم شاهنشاهی و شخص شاه، تأکید ابرام‌آمیز بر تاریخ و افتخارات ایران پیش از اسلام و القای نوعی عرب‌ستیزی و فرنگی‌مآبی.

۵- ایجاد و اعمال تحولی چشمگیر در زمینه آموزش و پرورش، فرهنگ، اقتصاد و دیگر شئون اجتماعی که بر روی هم می‌توانست مثبت و اقدامی سزاوار توجه ارزیابی شود.

با توجه به این‌گونه اقدامات و اعمال حاکمیت و نظارت شدید بر مطبوعات، زمینه چندانی برای رشد و بالندگی شعر به ویژه در قالب آزاد و نیمایی آن فراهم نبود. با همه این احوال نیما تقریباً به تنهایی کار خویش را کرد و برنامه ادبی خود را به پیش برد.

### دوره دوم از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این واقعه توجه به چند نکته ضروری است:

۱- ایران در شهریور ۱۳۲۰ که شعله‌های جنگ جهانی دوم زبانه می‌کشید از شمال و جنوب به اشغال نیروهای متفقین (شوروی و انگلستان) درآمد و رضاشاه که در سال‌های آخر به شدت به

آلمان‌ها نزدیک شده بود، ناگزیر شد به نفع فرزندش محمدرضا از سلطنت کناره‌گیری کند.

۲- پس از فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه، رقابت میان انگلیس و آمریکا در ایران بالا گرفت. نیروهای داخلی طرفدار شوروی از این وضع آشفته استفاده کردند و پس از یک شکل سازمان‌یافته حزب توده را بنیان نهادند.

۳- نبودن مرکزی نیرومند برای تصمیم‌گیری و عدم تسلط شاه کم تجربه بر اوضاع و کشمکش قدرت‌های بیگانه زمینه را برای رشد پاره‌ای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی فراهم آورد.

۴- همین که از بابت حزب توده احساس خطر شد، به بهانه حادثه ترور ناموفق شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ این حزب غیرقانونی اعلام گردید و سران آن دستگیر و زندانی شدند. متعاقب آن آزادی‌ها محدود شد و انتشار بسیاری از روزنامه‌ها متوقف شد.

۵- در سال ۱۳۲۸ اندکی پس از غیرقانونی اعلام شدن حزب توده جبهه ملی ایران به رهبری دکتر مصدق تشکیل شد و با شعار ملی کردن صنعت نفت به میدان آمد. مصدق به نخست‌وزیری رسید و همه چیز در جهت قطع ایادی بیگانگان سیر می‌کرد، که آمریکا پس از رفع مخاصمات خود با انگلیس توانست طی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به رهبری سرلشکر زاهدی بر اوضاع مسلط گردد و شاه را که ناگزیر به ترک وطن شده بود به ایران بازگرداند.

۶- اوضاع اقتصادی ایران که آشفته بود آشفته‌تر شد. قضیه نفت هم در جهت منافع ملی ایران خاتمه پیدا نکرد. تنها کاری که شد این بود که انگلیس به نفع آمریکا از مواضع خود، عقب نشست و این بار دیکتاتوری نوع آمریکایی بر ایران مسلط شد.

۷- از این پس نفت به صورت عاملی درآمد برای عطف توجه و در نهایت کشمکش قدرت‌های استعماری، به ویژه آمریکا و انگلیس بر سر ایران و تقریباً در همه شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و از آن جمله ادبیات ایران اثر می‌گذاشت.

۸- کمی پیش از واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، جمعیت سری «فدائیان اسلام» را نواب صفوی با حمایت آیت‌الله کاشانی بنیان گذاشت، که اندکی بعد دست به کار ترور شد و رزم‌آرا (نخست‌وزیر) در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ به دست این گروه به قتل رسید.

### دوره سوم از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

از جریان‌های مهم سیاسی و اجتماعی این دوره که بر شعر فارسی می‌توانست تأثیر بر جای بگذارد، یکی حضور همه‌جانبه آمریکا و ترویج فرهنگ آمریکایی بود و دیگری فشار و اختناق برای اعمال نوعی حاکمیت سیاسی مطلق از طریق تقویت و گسترش سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک). نفت

به عنوان یک مسئله اقتصادی و سیاسی از یک طرف به انباشت سرمایه در داخل کشور کمک کرد و از طرف دیگر هم وسیله‌ای شد برای جلب منافع و در نتیجه دخالت همه‌جانبه آمریکا در اغلب شئون اجتماعی و سیاسی ایران. مسئله مهم دیگر در جریان‌های سیاسی این دوره تشکل‌نیروهایی مذهبی و به طور کلی گسترش و شکل‌گیری اندیشه دینی در برابر نفوذ بیگانگان و غارت سرمایه‌های ملی بود، که ترور سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت، به سال ۱۳۲۹ در قضیه ملی شدن نفت به دست «فدائیان اسلام» و پشتیبانی آیت‌الله کاشانی در مقام ریاست مجلس شورا از اقدامات دکتر مصدق در سمت نخست‌وزیر، آغاز آن بود و مبارزات آیت‌الله خمینی علیه السلام با رژیم پهلوی در بازگذاشتن دست اجانب در ایران و برقراری مجدد کاپیتولاسیون و انقلاب سفید (بهمن ۱۳۴۱) که قیام ۱۵ خرداد را به دنبال داشت، در ادامه همین حرکت صورت گرفت.

در این دوره نشریات و مطبوعات که شمار آن‌ها به نسبت دوره قبل بیشتر هم شده بود در اختیار و نظارت دولت بود و عموماً در خدمت ترویج غرب‌گرایی قرار داشت. چنانکه ترجمه آثار از زبان‌های اروپایی هم که رو به رشد بود در نشریاتی مثل سپید و سیاه، تهران مصور، زن روز و ... اغلب به همین مسیر هدایت می‌شد.

ویژگی‌های شعر نو نیمایی در دهه سی را، که در واقع جریان‌های عمومی جامعه آن روز را در خود منعکس می‌کند، به ترتیب زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- رسیدن به نوعی یأس و دلمردگی که به جای داشتن پشتوانه فکری و فلسفی، بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی داشت و می‌توانست علاوه بر زمینه‌های مناسب تاریخی و فرهنگی، تحت تأثیر این‌گونه افکار در میان شاعران و نویسندگان غربی پدید آمده باشد.

۲- ادامه حیات فضای تغزلی که محصول آن شعرهایی غزلی، هوس‌آلود و فاقد ارزش اجتماعی بود.

۳- رواج و گسترش اندیشه غیرمذهبی (لائیک) و توجه به ارزش‌های ظاهری و مادی زندگی.

۴- گسترش آفاق شعر به مسائل خارج از مرزهای ایران و رواج مضمون‌های انسانی مثل انعکاس جنایات جنگ، مسئله ویتنام، تبعیض نژادی، همدردی با نژاد سیاه و محرومان سراسر گیتی که در مجموع می‌تواند از نقطه‌های روشن شعر فارسی و گونه‌ای انسان‌گرایی اجتماعی و مطلوب نیز به حساب آید.

### دوره چهارم، از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷

این دوره نیز از نظر تاریخی و اجتماعی و هم از نظرگاه شعر نیمایی یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ادبیات معاصر ایران است. رژیم پهلوی با صلاح‌دید آمریکا در بهمن ۱۳۴۱ پاره‌ای از اصلاحات سطحی

اجتماعی و اقتصادی را تحت عنوان «انقلاب سفید» به مورد اجرا گذاشت که با مخالفت اکثریت مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه مواجه شد و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به دنبال داشت.

پس از این واقعه آیت‌الله خمینی رحمته الله علیه به خارج از کشور تبعید شد و اختناق بر همه طبقات مردم حاکم شد. تشکیلات ساواک و نیروهای امنیتی و انتظامی به شدت تقویت شد. با این حال مخالفت با رژیم هم از جانب نیروهای مذهبی و هم از طرف گروه‌های روشن فکر و تحصیل‌کردگان متمایل به غرب گسترش می‌یافت.

در چارچوب شعر نیمایی، این دوره را باید دوره کمال جریان‌های ادبی دوره پیشین به حساب آورد. مسیر عمده شعر همچنان اجتماعی و حماسی است و شاعران بر روی هم بهتر و هنری‌تر از گذشته به جوهر شعر دست یافته‌اند و بیشتر از گذشته در مسائل اجتماعی تأمل می‌کنند. همواره در پی آنند که برای مشکلات راه‌حل‌های عاقلانه‌ای بیندیشند. زمینه اصلی شعر این دوره را بیشتر نوعی نقد اجتماعی تشکیل می‌دهد. هیجان‌های فردی و سطحی جای خود را به گونه‌ای تفکر زلال عاطفی داده است. زبان شعر این دوره در ادامه راهی که قبلاً آغاز کرده بود، بارورتر و صیقلی‌تر شده است. کلمات با یکدیگر و با مفاهیم انس و الفت بیشتری دارند و روابط و معانی تازه‌ای برای آن‌ها پدید آمده است. به موازات واژه‌ها و مفاهیم، تصویرهای شعری هم غریب‌تر و در مواردی ژرف‌تر می‌شود و نظام آشنای ارکان تصویر فرو می‌پاشد، این امر تا حدی تصویرها را در غبار ابهام فرو می‌برد.

### شعر عصر انقلاب

شعر عصر انقلاب همگام با شکل‌گیری نهضت اسلامی در سال‌های پایانی حکومت رژیم پیشین پا گرفت و مسیر خود را مشخص کرد. در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات روزهای انقلاب بسیاری از شاعران با الهام از دستاوردهای نهضت، شعر گفتند و ارزش‌های نوین حرکت مردمی را که عمدتاً جنبه‌های حماسی، عرفانی و دینی داشت، در خود منعکس کردند. پس از پیروزی انقلاب، کمیت این آثار رو به فزونی گذاشت و رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های نسل انقلاب را در خود بازتاب داد. چیزی از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت که تجاوز رژیم عراق به مرزهای ایران جنگ تمام عیار میان دو کشور همسایه را سبب شد. جنگ با دگرگونی ارزش‌ها و به میدان کشاندن نیروهای ملی و مردمی و تحریک عواطف میهنی و دینی قاطبه مردم قلمرو تازه‌ای به روی شعر و ادب فارسی گشود و راه ورود موضوعات و مضامین و حتی واژگانی جدید را به روی زبان و ادبیات ایران باز کرد.

هشت سال جنگ و انعکاس عواقب و نتایج نامطلوب آن در دورترین نقاط کشور فرهنگ تازه‌ای پدید آورد که می‌توان از آن با عنوان «فرهنگ جنگ» یاد کرد و می‌توانست شعر فارسی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. در این میان مقاومت مردم و سرسختی که رهبری در برابر قدرتمندان و از آن

جمله رژیم عراق و حامیان عربی و غربی آن از خود نشان داد، روح اعتراض و نگرش حماسی را که با موجی از عرفان مثبت درهم می‌آمیخت در ادبیات فارسی پدید آورد و بر زبان و محتوای آن به شدت اثر گذاشت.

بمباران‌ها و فجایی که جنگ برای مردم عادی و بدون سلاح در دفاع شهرها به دنبال داشت، به جای آنکه روحیه شاعران و هنرمندان و ارباب ذوق را بشکند آن را تازه‌تر و فعال‌تر می‌کرد. در این زمان شعر فارسی به سنگرها رفت و برخی از شاعران با استشمام بوی باروت و دود ناشی از بمباران‌ها واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمون‌ها و تصویرهای بکری از واقعیت‌های خشن زندگی به آنان الهام گردید.

حوادث دیگری، مثل واقعه جمعه خونین مکه در سال ۱۳۶۶ و درگذشت رهبر انقلاب (خرداد ۱۳۶۸) نقطه عطف‌های دیگری بود که جناح‌هایی از شعر انقلاب را به هیجان آورد و تا امروز هم با وجود حوادث دیگر و وقایع سیاسی برون مرزی و مشکلات و بدبختی‌هایی‌ها که هر روز برای پاره‌ای از کشورهای مسلمان پیش می‌آید، تازگی خود را از دست نداده است.

### زندگی نامه مشیری

فریدون مشیری روز سی‌ام شهریور ۱۳۰۵ خورشیدی در شهر تهران متولد شد. قبل از سن پنج سالگی، خواندن را آموخته بود. تابلوهای همه مغازه‌ها را در خیابان‌ها می‌خواند و تحسین اطرافیان را برمی‌انگیخت. در کتاب کلاس اول سه شعر بود و او هر سه شعر را از حفظ می‌خواند. هر چه بیشتر می‌آموخت و توانایی خواندنش بیشتر می‌شد، بیشتر به دنبال کتاب و نوشته‌ها می‌رفت. در خانه شاهنامه فردوسی را که پیش از مدرسه برایش ورق زده و داستان‌هایش را تعریف کرده بودند، برمی‌داشت و برای عمویش که نظامی بود، می‌خواند. حافظ، سعدی، نظامی و چند کتاب دیگر که در دسترس بود، او را به سوی خود می‌کشاندند... حافظه اعجاز می‌کرد، در کلاس سوم ابتدایی شعرهایی را برای مشاعره با هم‌کلاسی به خاطر سپرده بود. آن قدر زیاد بود که معلم، خبر این اعجوبه را به دفتر مدرسه برد.

در کلاس‌های چهارم و پنجم همه داستان جنگ رستم و اشکبوس، رستم و اسفندیار را بی‌لحظه‌ای درنگ، پی در پی از حفظ می‌خواند. در کلاس پنجم و ششم خودش شعری گفته بود که اسم مدیر و ناظم و معلم را در آن جای داده بود! این خبر دهان به دهان گشت و مدیر از او خواست که شعر را بعد از زنگ تفریح، سر صف بخواند.

در کلاس ششم شاگرد اول هم شد و ورقه‌های دیکته و انشای او که به قول قدیمی‌ها خط و ربطش را نشان می‌داد، نسبت به سن و سالش استثنائی بود. رئیس فرهنگ خراسان دو کتاب به او جایزه می‌دهد.

سال اول دبیرستان در حالی که او ۱۲ سالگی را پشت سر می‌گذاشت، نسیم ملایم عشق در باغ وجودش وزیدن می‌گیرد. غزل عاشقانه می‌سراید!

بتاب ای آفتاب عالم افروز/ که رنجم بیشتر گردیده امروز

بتاب ای ماه و بنگر کاین همه رنج / بود زان چشم مست خانمان سوز ...!

پانزده ساله بود که واقعه شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و ایران از شمال و جنوب به اشغال متفقین: شوروی، انگلیس و آمریکا درآمد و این نوجوان احساساتش را در شعری میهنی، بیان کرد:

چرا کشور ما شده زیردست / چرا رشته ملک از هم گسست؟

چرا هر که آید ز بیگانگان / پی قتل ایران ببندد میان؟

چرا جان ایرانیان شد عزیز؟ / چرا بر ندارد کسی تیغ نیز؟

برانیم دشمن از ایران زمین / که دنیا بود حلقه ایران نگین

چو از خاتمی این نگین کم شود / همه دیده‌ها پر ز شبنم شود ...

در نوزده سالگی واقعه مرگ مادر اساسی‌ترین ضربه را بر روح او وارد آورد. حادثه آنقدر شدید بود که او را مدت‌ها در بهت و حیرت فرو برد. دو سال تمام بیمار بود، واقعیت جهان هستی را که چون رودی به دنیای نیستی می‌پیوندد، حس کرد، بیدار شد، ... سرود، ...

و بعد از آن دیگر در زندگی شخصی‌اش حادثه‌ای مهم و قابل بازگویی رخ نداده است.

وی در مطبوعات به نوشتن مقالات ادبی و تحقیق پرداخته و مجموعه‌های شعر فراهم آورده است.

## تبار

الف - پدر: میرزا ابراهیم خان مشیری

پدر فریدون مشیری (میرزا ابراهیم خان مشیری) در سال ۱۲۷۵ خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد. او فرزند میرزا محمود خان مشیر (غفران الدوله) بود. در شجره‌نامه‌ای که نزد آقای منوچهر مشیری و نیز خانواده فریدون است، نشان می‌دهد که تبار شاعر از سوی پدر به یکی از سرداران نادرشاه افشار، به نام داودقلی و تیره قبایلی می‌رسد که در زمان نادرشاه به سبب سیاست نظامی - فئودالی نادر و شرکت در سرکوب قبایل مخالف، مورد توجه و عنایت شاه قرار گرفتند.

میرزا ابراهیم مشیری در سال ۱۳۰۲ با دختر میرزا جوادخان مؤتمن الممالک، خورشید خانم، از